



نقش رستم / رستا دوتومی

آرش نور آقائی

به نظر می‌رسد برخی از نقوشی که در ورودی‌های کاخ‌های تخت جمشید و همچنین مقابر شاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم دیده می‌شوند، دارای معانی خاصی هستند و به نوعی با نمونه‌های نقوش مصری همانندی دارند.

خلاصه‌ای از اسطوره ازی里斯

«ازی里斯» Osiris فرمانروای (خدای) عالم مردگان مصری‌هاست که در بسیاری از اسطوره‌های آنان نمودی بارز دارد. نمونه‌هایی از این خدایان سرزمین اموات، در فرهنگ‌های دیگر هم مشاهده می‌شوند: تموز (دوموزی)، سیاوش، دیونیزوس، باکوس (باخوس)، آدونیس (ادونی) و پرسفون (پرسفونه).

«ازی里斯» در تعداد بسیاری از نسخه‌های مربوط به خاک‌سپاری، در نقاشی‌های مقبره‌ها، تابوت‌ها و روی دیوارهای معابد مصری‌ها حضور دارد. ازی里斯 همچنین تجسم ماه و خورشید و صورت فلکی شکارچی (جبار) است. صورت فلکی جبار، به این شکل است که در دستش کمانی دارد و با صورت فلکی عقرب در تضاد است.

در حالی‌که «ازی里斯» تجسم حاصلخیزی زمین است، «ست» مظهر ناباروری و خشکسالی و به همین دلیل، رقیب و دشمن او به‌شمار می‌رود. از این رو «ست» و همدستانش (که ۷۲ نفر بودند) با حيله و نیرنگ «ازی里斯» را می‌کشند. این اتفاق، هم‌زمان با «بیست و هشتمین» سال سلطنت «ازی里斯» و هنگامی که خورشید در صورت فلکی عقرب قرار داشت، رخ می‌دهد.

بعد از این اتفاق و در مرحله‌ای دیگر از داستان، «ست»، بدن «ازی里斯» را «چهارده» قطعه می‌کند و آن‌ها را در مکان‌های دور از هم می‌پراکند.

تفسیر این اسطوره

با این‌که دوره تغییرات حالات ماه حدود ۲۹/۵ روز است، اما آن را به‌طور نمادین ۲۸ روز در نظر می‌گیرند. این که ازی里斯 در سال ۲۸ سلطنتش می‌میرد، با دوره تغییرات

ماه بی‌ارتباط نیست. همچنین ۱۴ قطعه شدن بدن ازی里斯 با نمود ماه کامل در آسمان ربط دارد. از طرف دیگر، مرگ ازی里斯 با صورت فلکی عقرب پیوند خورده، و می‌دانیم که هرگز صورت فلکی عقرب و صورت فلکی جبار با هم در آسمان دیده نمی‌شوند. به این معنی که طلوع یکی مستلزم غروب دیگری است. با این حساب، صورت فلکی جبار که تجسم ازی里斯 بود مقهور صورت فلکی عقرب شده است.

برای اثبات گفته‌هایمان می‌توانیم به نقوشی که در معبد «هاتور» Hathor (این معبد در شهر «دندرا» Dendera در مصر قرار دارد) دیده می‌شوند، رجوع کنیم. بر روی سقف این معبد، یکی از نقوش، ۱۴ روز از ماه کاهنده را در قالب ۱۴ فرد نشسته نشان می‌دهد که در داخل قرص کامل ماه قرار دارند.



همچنین نقش دیگری از ماه فزاینده، در قالب ۱۴ خدا وجود دارد، این خدایان بر روی پله‌هایی که به‌سمت گوی ماه می‌رود، در حال حرکتند.



در نقش دیگر، ازی里斯 را در ارتباطی واضح با ماه می‌بینیم. نوشته‌های مربوط به این نقش بیانگر آن هستند که ازی里斯 در ماه کامل قدم گذاشته و او خود ماه است. در این



نقش نماد گوی بالدار بر بالای سر ازی里斯 نمایان است.

نقش دیگری هم وجود دارد که نشان می‌دهد از بدن بی‌جان ازی里斯 که بر روی زمین قرار دارد، ۲۸ خوشه گندم روییده‌اند.



نقوش هخامنشی

حال اگر به مقبره شاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم نگاهی بیندازیم، متوجه تشابهاتی با آن‌چه در مورد نقوش مربوط به ازی里斯 گفته شد، می‌شویم.

از قول مرحوم «شاپور شهبازی»، در این مقابر، شهریار هخامنشی در جامه پارسی، کمان به‌دست بر روی سکویی سه پله‌ای ایستاده است و روی به آتشی دارد که بر فراز آتشدانی در حال اشتعال است. بر فراز این صحنه، نقش فر کیانی نموده شده است و در گوشه راست، قرص ماه مشخص است.

از این گفته، چند نقطه اشتراک با نقوش مصری که توضیح داده شد، نمایان است. نماد قرص ماه و نقش فر کیانی که صورت دیگری از گوی بالدار مصری‌هاست از این جمله‌اند. در ضمن این سؤال مطرح می‌شود که چرا در دست شهریار ایرانی، کمان دیده می‌شود؟

در نقش‌های دیگری که از شاهان هخامنشی وجود دارد، کمان دیده نمی‌شود، حال چرا در این‌جا، چرا شاه کمان در دست دارد؟ اگر شاه را سمیل باروری و برکت بدانیم، دور از ذهن نیست که وی می‌تواند به گونه‌ای نقش ازی里斯 مصری‌ها را در بن‌مایه‌ی ایرانی‌اش، ایفا کند. حال آیا این «ازی里斯 ایرانی» (شاه ایران) نمی‌تواند کمانی را در دستش داشته باشد که مربوط به صورت فلکی جبار است و ازی里斯 تجسم اوست؟ نکته دیگری که در مقابر شاهان هخامنشی دیده می‌شود، تعداد کسانی است که اورنگ شاه را حمل می‌کنند. این تعداد ۲۸ نفر (۱۴ نفر در ردیف بالایی و ۱۴ نفر در ردیف پایینی) است که مرحوم پروفسور «شاپور شهبازی» تعداد آن‌ها را ۳۰ نفر و



ورودی کاخ خسروان رستا دوتومی

معادل با نماینده ملل تابعه دانسته است.

اما اگر خوب دقت کنیم متوجه می‌شویم که ۲۸ نفر اورنگ را بلند کرده‌اند و دو نفر دیگر در کنار اورنگ مراقب اوضاع هستند. نگارنده بعید می‌دانم که تعداد ۲۸ نفری که اورنگ شاه مرده را بلند کرده‌اند، با تعداد ملل تابعه در ارتباط باشند و احتمال می‌دهم که این تعداد ۲۸ نفر تفسیری مشابه با تفسیر نقوش مصری دارند که در بالا اشاره شد. نکته دیگری که باید گفته شود این است که دو مرتبه دیگر هم با عدد ۲۸ در کاخ‌های تخت جمشید سر و کار داریم:

در ورودی اصلی تالار مرکزی کاخ سهدری (کاخ مرکزی) نقشی وجود دارد که اورنگ‌بران ۲۸ نفرند و اردشیر اول و ولیعهد را حمل می‌کنند. (تصویر۱)

تعداد اورنگ‌بران جزر شرقی و غربی درگاه‌های جنوبی تالار صد ستون هم جمعاً ۲۸ نفر (هر طرف ۱۴ نفر) هستند، که با نقش ماه فزاینده در نقوش مصری همسانی دارد. (تصویر۲)

ورودی کاخ صدستون: تعداد اورنگ‌بران در نقش بالا ۱۴ نفرند که با نقش دیگری که رویروی آن است ۲۸ نفر می‌شوند. (تصویر۳)



منابع:

– ستاره شناسی تمدن‌های کهن، ای.سی.کراپ، ترجمه یاسمین نیک‌سرشت، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۳.

– راهنمای مستند تخت جمشید، علیرضا شاپور شهبازی، برای بنیاد پژوهشی پارسه – پاسارگاد، تهران،

سفیران، ۱۳۸۴.